

# کند و کاو در چگونگی ایجاد مهارت‌های زبانی شنیدن، خواندن، و درک مفهوم متن در زبان روسی\*

علیرضا ولی‌پور

استادیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

## چکیده

مهارت شنیدن، خواندن و درک مفهوم متن از مهم‌ترین مهارت‌ها در روند آموزش زبان‌های بیگانه محسوب می‌شود. متأسفانه، به رغم پیشرفت‌های فراوان و اصلاح و بهبود روش‌های کارآمد در دنیای معاصر، شیوه‌های مورد استفاده در ایران تغییر چندانی نسبت به گذشته نکرده است. در این بررسی سعی شده که برخی روش‌های جدید یا روش‌هایی که کمتر مورد توجه قرار گرفته است ارائه و یادآوری شود. نویسنده مقاله بر این نکته تأکید دارد که با برنامه‌ریزی دقیق‌تر و ابداع طرح‌های مشخص درسی می‌توان باعث تنوع متون و تناسب منطقی در روند ایجاد این مهارت‌ها و ارتقاء اهداف و نتایج آموزشی شد و، از سوی دیگر، موجبات هماهنگی بیشتر را در بین آموزش‌دهندگان فراهم آورد. برخی موارد مطروحه در این مقاله حاصل تجربیات شخصی نگارنده، با استناد به آمارهای استخراجی در حین آموزش و تدریس است.

## کلیدواژه

درک مطلب، بسامد، آواشناسی، طرح درس، روش.

|| این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «بررسی و ارزیابی جامع متون مربوط به واحدهای دروس بیان شفاهی داستان و خواندن و درک مفهوم متن دوره کارشناسی زبان روسی» (شماره ۳۶۴/۱/۵۲۸) است، که با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران انجام گرفته است.

## مقدمه

همه می‌دانند که هرگز دو معلم یا دو شاگرد در تمام خصوصیات کاملاً یکسان نیستند. این درست نخواهد بود که ما مدعی شویم که بهترین روش یا بهترین کتاب یا امکانات آموزشی برای درس خاصی همان است که ما می‌شناسیم. درست است که نحوه زبان‌آموزی و نتایج حاصله در مقایسه با گذشته بهبود یافته و می‌یابد، اما راضی شدن به آنچه که وجود دارد و اکتفا به دسترنج تجربی گذشتگان راه پیشرفت و تعالی و حرکت را در هر حیطه‌ای از علم به بن‌بست خواهد رساند. تجربیات گذشتگان و خودمان هنگامی گران‌قدر خواهد بود که چراغی فراروی ما برای رسیدن به مقاصد برتر آینده گردد. باید اعتراف کرد که یک معلم و آموزش‌دهنده واقعی همیشه مهم‌تر از روش‌ها و مطالب درسی است، اما تلفیق اینها با هم باعث ارتقاء روند آموزش و صرفه‌جویی در وقت و کسب نتایج بهتر خواهد شد. یک معلم و استاد علاقه‌مند و جدی باید بداند که برای موفقیت در امر آموزش لازم است بسیاری چیزها را در هم آمیزد تا بتواند دانشجویان را راغب و علاقه‌مند به تحصیل کند و دستیابی به نتایج از پیش تعیین شده را سبب گردد. در برنامه‌های آموزشی کشورهای پیشرفته و باتجربه در امر آموزش زبان، بر توان اساتید در رفع اشکالات آوایی و تشخیص و مرتفع کردن آنها با الگوهای مناسب و جدید تأکید فراوان می‌شود. در درس خواندن و درک مفهوم متن، معلم، علاوه بر معرفی لغات هم‌ریشه و مشتقات آنها و سعی در سریع خواندن و درک عبارات، باید پرورش و گسترش توان «گوش شنوا» را احیا و تقویت کند. در انجام این وظایف موانع فراوانی وجود ندارد. هدف این مقاله این است که این موانع شناسایی و تا حد امکان راه رفع آنها معرفی گردد. از مهم‌ترین اهداف مقاله، ترغیب استفاده از هنر و ایجاد اشتیاق و عادات زبانی مطلوب در دانشجویان و سعی بر ارائه نگرشی نوین به دیگر همکاران است.

## بحث و بررسی

در ایران آموزش زبان خارجی، به خصوص زبان روسی، از دیرباز، غیر از ارائه گرامر، بر خواندن متن و ترجمه آن از روسی به فارسی و در حد کمتری از فارسی به روسی استوار بوده است. باید اذعان کرد که در چارچوب این روش اتخاذی، به ایجاد برخی مهارت‌ها کمتر توجه شده، به خصوص به ایجاد توانایی درک مطلب به واسطه گوش، و در عمل آن

را از روند آموزش خارج یا تا حد زیادی به حاشیه رانده است و در شرایط بسیار خوب نتیجه کار آن می‌شود که عده‌ای از دانشجویان در مقطع کارشناسی فقط عادت به گفتار اساتید خود دارند و گفتار دیگر گویندگان برایشان گنگ و مبهم می‌نماید. این ضعف در خارج از کشور و در محیط بومی روس‌زبانان بیشتر جلوه‌گر می‌شود و معمولاً در هنگام سنجش مهارت‌ها و مین جمله مصاحبه شفاهی کاملاً آشکار می‌گردد. در واقع، با توجه به نتایج واقعی، لفظ کارشناس متون کتبی زبان روسی برای برخی از دانش‌آموختگان زبان روسی، وجه تسمیه واقعی تری دارد، چون عملاً ثابت شده که توانایی درک مطالب شفاهی به اندازه مهارت‌های دیگر، مثل خواندن و نوشتن، تحقق نیافته است. در صورتی که به تأیید اکثر صاحب‌نظران و خبرگان در امر آموزش زبان و زبان‌شناسی، در آموزش زبان خارجی، شنیدن و گفتار باید مقدم بر خواندن باشد (طوسی ۱۳۷۶، ص ۱۲۶).

در واقع، به رغم این که خواندن و گوش دادن هر دو جزو فعالیت‌های ادراکی‌اند، بین آنها تفاوت‌های بسیار مشخصی وجود دارد. البته، مشخص‌ترین تفاوت آنها در وسیله بیان آنها است - یعنی نشانه‌های نوشتاری مورد استفاده در برابر آواها. نشانه‌های نظام نوشتاری الفبایی، با واحدهای واجی در ارتباط‌اند، لیکن نشانه‌های الفبایی با نمادهای واجی مطابقت می‌کنند، نه با آواهای گفتاری (فالک ۱۳۷۷، ص ۵۲۸).

اما چاره کار چیست و از کجا و چگونه باید شروع کرد؟

اقرار می‌کنم که راه چاره قطعی و نسخه نهایی را نمی‌خواهم و هم نمی‌توانم در حال حاضر ارائه کنم، زیرا معتقدم همه اساتید دست‌اندرکار باید مطلب را از زوایای مختلف بررسی کنند و نظریات خود را که آمیخته با تجربیات آموزشی است به تفصیل در اختیار علاقه‌مندان قرار دهند. اما آنچه بنده در اینجا به آن می‌پردازم، بیان درصدی کوچک از مشکلات و ارائه برخی طرق برای رفع آنها و سعی در تبیین روش‌های بالنده‌ای است که در حال شکل‌گیری در نزد نسل سوم آموزش‌دهندگان زبان روسی در ایران است.

یادم نمی‌رود که در دهه‌های قبل به موضوع آواشناسی در دوره پیش‌دانشگاهی توجهی نمی‌شد و کسی به این مهم نمی‌پرداخت و معماهای زیادی حتی تا پس از فارغ التحصیلی در این باب لاینحل می‌ماند. در صورتی که لازم است در اولین مراحل فراگیری زبان، کلیه اصوات را به طور کامل آموزش داد تا دانشجویان از این نظر مشکل نداشته باشند (طوسی ۱۳۷۶، ص ۲۵). این نقص باعث می‌شد که دانشجویان به مرور در

درس‌های خواندن و درک مفهوم متن نیز، آن را مشابه درس‌هایی تلقی کنند که صرفاً به ترجمه متن پرداخته می‌شود. البته این اشکال امروز هم تا اندازه‌ای وجود دارد و کاملاً محسوس است که دانشجو وظیفه اصلی و حتی وظیفه نهایی خود را ترجمه متن فرض می‌کند و در هنگام خواندن کمتر به قواعد درست خواندن در حد کلمه و جمله توجه دارد. (منظور رعایت صحیح محل ضربه در کلمه و آهنگ جمله است).

به نظر می‌رسد که باید قاطعانه مانع این خطا شد و این عادت کهنه را تغییر داد. البته راه‌هایی برای تغییر در این رویه وجود دارد و روش‌های دیگری نیز می‌توان ابداع کرد. برای مثال، می‌توان از دانشجویان خواست که تمام توجه خود را در مورد برخی متون ارائه شده فقط معطوف به درست خواندن کنند، و دیگر ترجمه آن متون درخواست نشود و بالتبینه نمره معینی را در فعالیت‌های کلاس فقط به درست خواندن اختصاص داد. ضمناً انتخاب مناسب متن‌هایی که بتوان به کمک آنها تغییرات کمی و کیفی اصوات یا ترکیبات اسم و فعل با حروف اضافه را تمرین کرد، کمک خوبی به ارتقاء مهارت خواندن می‌کند.

یکی از ویژگی‌های همگانی همه زبان‌ها، صورت گفتاری آنها است (مشکوة‌الدینی ۱۳۷۴، ص ۱۷). بنابراین، جا دارد که، برای توسعه مهارت در شنیدن و خواندن، برنامه‌های مستمر و تکمیلی ارائه شود. درست است که هنوز هم باید توجه بیشتری به آموزش آواشناسی در مرحله پیش‌دانشگاهی کرد، اما ارائه همه مطالب نیز در این دوره مناسب و منطقی نمی‌نماید و ممکن است خسته‌کننده و زاید جلوه کند و باعث دلزدگی دانشجویان شود. بنابراین، دوره‌ای تکمیلی با فاصله دو الی سه ترم، یعنی هنگامی که زمینه برای جذب آن فراهم شده باشد، از نظر آموزشی ثمربخش‌تر خواهد بود.

بر اساس تجربه شخصی، به این نتیجه رسیده‌ام که آموزش قوانین کلی و فراگیر آواشناسی در مرحله پیش‌دانشگاهی به مهارت خواندن در آینده کمک شایانی خواهد کرد و اطلاعات مختصری در مورد صدا از جنبه فیزیکی و توضیح درباره آن که صدا در نتیجه تأثیرگذاری نوسانات امواج بر ساختار گوش به کمک هوا احساس می‌شود (باندارکو<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰، ص ۱۱۵) و صداهای مختلف دارای بسامدها و دامنه نوسان‌های

متفاوتی هستند، کمک به بسط ادراکی دانشجویان در فهم مقولهٔ آواشناسی از ابعاد مختلف خواهد کرد (رفورماتسکی<sup>۱</sup> ۱۹۹۷، ص ۱۵۹). با این حال، ضرورت ندارد که همهٔ قوانین و به‌خصوص موارد مشکل و تحلیلی آن در مرحلهٔ پیش‌دانشگاهی مطرح شود و بر عکس، پرهیز خودآگاهانه از آموزش برخی قوانین و موکول کردن آنها به بعد توصیه می‌شود. برای مثال، در مرحلهٔ پیش‌دانشگاهی ارائهٔ قوانین آوایی زبان روسی در مورد تغییرات کیفی صدای [o] بعد از حروف صامت سخت مفید و راه‌گشا است. اما ارائهٔ مطلب در مورد تغییرات کیفی صدای [o] در موقعیت‌هایی که تحت ضربه نیست و پس از حروف بی‌صدای نرم، به تسهیل آموزش در مرحلهٔ پیش‌دانشگاهی نمی‌انجامد بلکه باعث سردرگمی دانشجویان می‌شود. از سوی دیگر، نگفتن قواعد مربوط به صدای [o] در حالت خارج از ضربه پس از حروف بی‌صدای نرم خلّی در نحوهٔ تلفظ صحیح این صدا در آن موقعیت‌ها به بار نمی‌آورد، زیرا می‌توان بلافاصله پس از ارائهٔ قوانین مربوط به موقعیت صدای [a] هنگامی که تحت ضربه نیست و تبدیل به صدای [и] پس از حروف بی‌صدای نرم می‌شود، به سراغ صدای [e] رفت و از توضیحات اضافی که باعث بفرنج شدن درک مطلب می‌شود پرهیز کرد. در این مرحله، به رغم دانش زبانی دانشجویان، توضیح این که در کلماتی مانند [несла́] [несла́] صدای [e] قبل از ضربه و پس از یک حرف بی‌صدای نرم به صدای [и] تبدیل شده، به مراتب قابل فهم‌تر از آن است که توضیحات آکادمیک ارائه کنیم و توضیح دهیم که e در کلمهٔ [несла́]، در واقع صدای تغییر یافتهٔ واج o است که در این موقعیت به این صورت نوشته شده و این که این واج همیشه پس از حروف بی‌صدای نرم به صورت e یا e نوشته می‌شود و...

در آموزش زبان خاص، می‌توان و حتی توصیه شده که بهتر است از وارد شدن به مقولهٔ آواشناسی همگانی خودداری کرد، «زیرا در هیچ زبانی این نیاز حاصل نمی‌شود که از همهٔ امکان‌های آوایی انسان بهره‌برداری شود» (حق‌شناس ۱۳۷۶، ص ۱۱) و در واقع، در آواشناسی کاربردی زبان خاص هم می‌توان توضیحات تکمیلی را در مراحل بالاتر، یعنی وقتی که آمادگی درک آن به واسطهٔ افزایش دانش زبانی فراهم شده است، ارائه کرد.

1) Реформатский

از نکات قابل ملاحظه و بسیار مهم، که متأسفانه تا به حال مجال پرداختن به آن کمتر فراهم آمده و بی‌توجهی به آن سبب درک ناقص و مبهم برای مفاهیم در زبان مقصد را موجب می‌شود، عدم اطلاع کافی از فرهنگ و تمدن مردمان زبان مورد نظر است. البته ممکن است برخی این ایراد را وارد کنند که به علت کمبود وقت و ناکافی بودن دانش زبانی دانشجویان امکان ارائه گسترده مطالب نیست. در چنین موردی باید پاسخ داد که برای دستیابی به این هدف لازم نیست مطالب به زبان روسی باشد، بلکه مهم این است که یک دانشجوی زبان روسی تقریباً اطلاعات کافی راجع به تاریخ، جغرافی، ادبیات، تاریخ فلسفه، مذهب و آداب و رسوم مردم روس داشته باشد. این اطلاعات می‌تواند از منابع معرفی شده گروه روسی و در ۲ واحد درسی و حتی به زبان فارسی باشد.

از موارد دیگر، که متأسفانه صدمه به روند آموزش زبان در دانشگاه می‌زند و امکان کسب مهارت درک مفهوم متن را به تأخیر می‌اندازد، استفاده نکردن از لغت‌نامه توضیحی روسی (به روسی) است. به نظر این جانب باید این کار اجباری شود و با راهنمایی و هدایت استاد، توضیح کلمات با استفاده از این گونه لغت‌نامه‌ها خواسته شود. تجربه نشان داده است که همین نکته به ظاهر ساده باعث رشد بنیه علمی می‌گردد. (البته باید خاطر نشان کرد که به رغم سابقه طولانی گروه روسی در ایران، که اولین مرکز دانشگاهی در آموزش زبان در ایران محسوب می‌شود، در خود دفتر گروه روسی نیز به غیر از دو نوع لغت‌نامه یک جلدی اژیکف و چهار جلدی فرهنگستان علوم شوروی، دیگر لغت‌نامه‌های مشهور روسی مانند لغت‌نامه اوشاکف، دال، و لغت‌نامه هفده جلدی وجود ندارد).

همچنین در بررسی‌های انجام شده به این نکته پی بردم که هماهنگی در انتخاب و ویرایش متون مناسب برای درس خواندن و درک مفهوم متن که در ۸ واحد ارائه می‌شود وجود ندارد. ممکن است متنی در خواندن و درک مفهوم متن ۱ استفاده شود و همان متن‌ها را استاد دیگر در خواندن و درک مفهوم متن ۲ به کار گیرد.

برای رفع این مشکل، می‌توان مجموعه متنی را برگزید و با سطح بندی استاندارد و با لحاظ کردن بسامد لغات محدود، ویرایش و چاپ مجدد کرد. این مجموعه‌ها می‌توانند گزیده متون مورد استفاده همه اساتیدی باشند که تا به حال این درس را تدریس کرده‌اند. (این مهم با تشویق و همکاری برخی همکاران در حال شکل‌گیری است).

در انتخاب و تدوین این متون توجه به متون با گرایش‌های مختلف ضروری است. زیرا به کارگیری لغات و حتی دستور زبان در روسی در متن‌های با سبک‌های مختلف تفاوت‌های معنایی فراوان و کاربردهای مختلف دارد. برای مثال، در لغت‌نامهٔ بزرگ پروفیسور اوشاکف در توصیف ویژگی‌های کلمهٔ *СТОИМОСТЬ*، قید گردیده که این کلمه شکل جمع ندارد، در صورتی که این کلمه در آثار کلاسیک و در حیطهٔ سیاست‌های اقتصادی به طور جمع به کار رفته است. همچنین، طبق آموزش‌های رایج، معمولاً به دانشجویان گفته می‌شود که صفات کوتاه در زبان روسی بیان‌گر ویژگی‌های موقتی هستند و چنین مثال زده می‌شود:

*мать больна - мать больная*

در صورتی که این معنای دستوری صفات کوتاه بیشتر در متون ادبی و روزمره است و در متون علمی چنین مفهومی صدق نمی‌کند، مانند این جمله و مشابه آن که در متون علمی زبان روسی فراوان به چشم می‌خورد (کوژینا<sup>۱</sup> ۱۹۸۳، ص ۳۰):

*Белковые вещества сложены*

غیر از توجه به سبک متون، از مسائل مهمی که امروز در آموزش زبان فوق‌العاده به آن توجه می‌گردد، محدودیت دایرهٔ لغات و عبارات و گزینش لغات و عباراتی است که بیشترین بسامد را در کاربرد زبان رایج دارد. این ایده روش تکمیلی بسیار مفیدی است که بذل تلاش فراوان و به کار بستن تکنیک‌های خاصی را ایجاب می‌کند. معیارهای رایج و پیشنهادی نظریه‌پردازان آموزش زبان، برای سطح مقدماتی، میانه، و پیشرفته، به ترتیب ۱۵۰۰، ۳۰۰۰ و ۵۰۰۰ لغت و عبارت است. در ایران رعایت این کمیته‌ها شاید کار مشکلی نباشد، اما به دست آوردن بسامدها برای بازنویسی متون مناسب برای دانشجویان ایرانی کار ساده‌ای نیست و اگر سفارش خاصی از سوی ارگان یا مؤسسه‌ای برای تدوین آن نباشد، به غیر از سبک متن، سلیقهٔ شخصی نیز در آن دخالت خواهد کرد. تکنیک کار می‌تواند دستی یا ماشینی یا تلفیقی از هر دو باشد. برای نمونه، یکی از روش‌هایی که نگارنده به کار بسته به این شرح است:

پرونده‌ای ایجاد شد و تمام متن‌هایی که به تشخیص نگارنده، یا توصیهٔ همکاران،

مناسب تشخیص داده شد، از طریق برنامه نرم‌افزاری finereader از حالت غیرفعال به متن زنده قابل ویرایش تبدیل شدند. سپس لغاتی که نامأنوس و مظنون به بسامد کم بودند، توسط یکی از برنامه‌های ضمیمه‌ای word مورد شمارش قرار می‌گیرند. بعد هر کلمه یا عبارت برای کنترل نهایی در لغت‌نامه بسامدی روسی کنترل می‌گردد، و در نهایت اگر بسامد در حد مناسب نبود آن کلمه یا عبارت با کلمه یا عبارت پربسامدتر در متن بازنویسی شده تعویض می‌گردد.

از بین بیش از ۲۵۰ متن، که در نگاه اول کلمات موجود در آنها مناسب تشخیص داده شد، لغاتی با بسامد ۱ تا ۴۷۹۰ به دست آمد. قاعدتاً هدف این خواهد بود که در صورت استفاده از این لغات در متونی که باید بازنویسی شوند حتی الامکان از بسامدهای زیر ۱۰ استفاده نشود. جالب این که در بسامدهای بالا تعداد لغاتی که در شماره‌ای قرار می‌گیرند بسیار کم است، و بسیاری از شماره‌های بالای هِرمِ هندسی نمودار بسامدی فقط اختصاص به یک کلمه پیدا می‌کند، اما هرچه از قله به قاعده مثلث نزدیک می‌شویم هر شماره که نماینده در واقع یک بسامد باشد تعلق به لغات متعدد دارد. این نکته از دیدگاه فنی جالب است و به طور منطقی و آماري می‌توان اطمینان داشت که حذف لغات کم بسامد، اگر به طور حساب شده و متناسب با لغات مترادف پربسامد تعویض گردد، ضربه‌ای به مفهوم متن وارد نخواهد شد.

متأسفانه تا به حال این تکنیک و تمهیدات ذکر شده به کار نرفته و دو نقص بزرگ موجود در روند آموزش زبان روسی در درس‌هایی مانند خواندن و درک مفهوم متن برطرف نشده است. این دو نقص عبارتند از انتخاب‌های سلیقه‌ای و ناهماهنگی و بعضاً غیر هدفمند که می‌تواند باعث گردد لغات با بسامد ۱۰۰ یا ۲۰۰ به طور اتفاقی حذف شوند و لغات با بسامد زیر ۱۰ به طور اتفاقی خوانده شود.

این ناهماهنگی و عمل سلیقه‌ای باعث مشکلات دیگری نیز شده و می‌شود. برای مثال، به رغم سابقه طولانی گروه روسی و تهیه و تنظیم سرفصل‌های کلی دروس یا حتی مشخص شدن عناوین آموزشی در برخی دروس، مانند دستوره‌های ۱ الی ۶، مع ذلک هماهنگی اجزاء دروس با یکدیگر لحاظ نمی‌شود. مثلاً دانشجویان در ترم اول در دستور ۱ با مقوله اسم و صفت و کاربردها و صرف آن آشنا می‌شوند و در ترم دوم در دستور ۲ مقوله عدد و ضمیر را می‌خوانند. واضح است که اگر در ترم اول، در درس



خواندن، صفت فعلی یا قید فعلی منظور شده باشد، برای دانشجو ایجاد ابهام زود هنگام و سردرگمی می‌نماید. در صورتی که اگر هماهنگی از قبل اندیشیده‌ای وجود داشته باشد باید این ترکیبات دستوری با ترکیبات ساده‌تر عوض شوند.

در ابتدای بحث به این نکته اشاره شد که ایجاد مهارت شنیدن تقریباً به فراموشی سپرده شده است. این در حالی است که نیاز به این مهارت نسبت به سال‌های قبل افزایش یافته و خوشبختانه دانشکده امکانات آزمایشگاهی لازم برای پرورش این مهارت را دارد، اما عملاً از آن بهره‌برداری کافی نمی‌شود.

در چند مورد آزمایشی که برای به دست آوردن درصد توانایی دریافت پیام شفاهی کردم، برای درک متون خوانده شده با سرعت متوسط و با بسامد لغات مناسب، انتظار شخصی این جانب آن بود که بین ۱۰ تا ۳۰ درصد مفهوم درک شود. مع هذا این طور نبود و بین صفر تا حد اکثر ۵ درصد مفهوم درک شد. مسلم است که این درصدهای ضعیف برای ما خوشایند نیست، اما زنگ خطری است که ما را به اقدام و چاره‌جویی وامی‌دارد. آیا وقت آن نرسیده که موضوع استفاده اجباری از لابراتوار زبان به طور مستمر مورد توجه قرار گیرد؟

برای درس خواندن لازم نیست ابزار آموزشی فقط کتاب و استاد باشند. بهتر است از ابزارهای دیگری هم، هم برای تنوع و هم برای توسعه و ارتقاء مهارت خواندن و درک مفهوم متن، استفاده شود. وسایل کمک آموزشی می‌تواند شامل فیلم‌های مناسب و یا برنامه‌های ضبط شده از شبکه‌های ماهواره‌ای و پخش آن در زمان و مکان خاص به طور مستمر باشد. طبق ارزیابی به عمل آمده، آرشیو مجموعه‌های سمعی و بصری موجود، هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی و هم از بعد اخلاقی و فرهنگی، ضعیف است و باید به ارتقاء آن همت گمارد. مسلماً ایجاد علاقه و انگیزه برای اساتید و دانشجویان و جذب مشارکت ایشان بزرگ‌ترین پشتوانه عملی برای هر تصمیم و همت اصلاح‌گرایانه خواهد بود.

## نتیجه‌گیری

در خاتمه جا دارد بر برخی نکات تأکید مجدد شود. پژوهش‌های زبان‌شناسانه گویای این مطلب‌اند که دانشجویان، اگر به هنگام فراگیری زبان مجبور به کاربرد دائمی آن نشوند،

به طور ناخودآگاه وارد دوره سکوتی می‌شوند که ممکن است تا همیشه ادامه یابد. نظام و ساختار آوایی زبان در هر رده‌ای با توجه به درک و فهم مخاطبان باید تشریح و توضیح داده شود. این مهم باید در ابتدایی‌ترین مراحل صورت گیرد. خوشبختانه آموزش این مطالب بسیار مهم کاملاً میسر و نتیجه‌بخش است و تکرار و تقلید از اصول کار است. در مورد آموزش لغات، از آنجا که واژگان در همه زبان‌های بزرگ دنیا بسیار زیاد و یادگیری همه آنها امکان‌ناپذیر است، باید با احتساب بسامای استاندارد، انتخاب‌های حساب‌شده و دقیقی انجام گیرد. تکنیک‌های امروزی نرم‌افزارهای حرفه‌ای، به دقت در دست آوردن نتایج و تسریع آن کمک می‌کند. از آنجا که زبان بیش از آن که علم باشد فن محسوب می‌شود، مهارت‌های لازم در آن نیز فقط با مطالعه حاصل نمی‌گردد و احتیاج به تمرین کافی و مستمر دارد، اما خود تمرین کردن و تکرار نیز در هر حیطه‌ای باید قانونمند و توأم با برنامه‌ریزی دقیق و با لحاظ کردن ارتباط بین اجزای آن باشد. طبقه‌بندی و انتخاب مطالب ساده‌تر و ارتباط دادن مطالب تازه با فراگرفته‌های قبلی و رعایت تناوب و فواصل زمانی کمک خواهند کرد تا ایجاد تسلط زبانی به طور حساب‌شده و منطقی نتیجه‌بخش باشد - ان شاء الله.

### منابع

- حق‌شناس، علی محمد، آواشناسی، چاپ پنجم، آگاه، تهران ۱۳۷۶.  
 طوسی، بهرام، آموزش زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم، ترانه، مشهد ۱۳۷۷.  
 —، مهارت‌های آموزش زبان خارجی، ترانه، مشهد ۱۳۷۶.  
 فالک، جولیا اس.، زبان‌شناسی و زبان، ترجمه خسرو غلامعلی‌زاده، آستان قدس رضوی، تهران ۱۳۷۷.  
 مشکوره‌الدینی، مهدی، ساخت آوایی زبان، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد ۱۳۷۴.  
 مطالب ذکر شده آماری، از نتایج آزمون‌های شفاهی و کتبی در درس خواندن و به‌خصوص آمارهای برگرفته از نتایج بازخوردهای آموزشی ورودی‌های سال ۷۹، گروه شبانه دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران، استخراج و درج گردیده است.

- Антонова, Д.Н., **Фонетика и интонация**, Москва 1988.  
 Бондарко, Л.В., **Прикладное языкознание**, Санкт-Петербург 1990.  
 Кожина, М.Н., **Стилистика русского языка**, Москва 1983.  
 Реформатский, А.А., **Введение в языковедение**, Москва 1997.  
 Розенталь, **Современный русский язык**, Москва 1994.